

# نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره پیش نویس قانون اساسی

# مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۳۰  
شنبه ۲ تیر ماه ۱۳۵۸  
تک شماره ۱۵ ریال

اصلاحات مورد  
پیشنهاد حزب توده  
ایران درباره  
پیش نویس  
قانون اساسی

بقیه در صفحه ۳

در صفحات دیگر میخوانید

**جهاد برای  
سازندگی  
قانونمندی تداوم  
و تثبیت دستاوردهای  
انقلاب است.**  
صفحه ۶

**در آذربایجان هم  
باید آزادی برای  
همه نیروهای  
انقلابی تأمین  
گردد.**  
صفحه ۶

**احداث نیروگاه  
اتمی یک خیانت  
دیگر پهلوی  
مسلمانان و  
ساختمان جامعه  
نودراتحاد شوروی**  
صفحه ۲

**آقای شهردار  
میانها! حرفهای  
شما بسود  
امپریالیسم و  
ارتجاع است**  
صفحه ۲

**چگونه روشی:  
اصولی یا پیروزی بخش؟**

● وقتی مطمئنیم که هر روش اصولی سر انجام  
پیروزی بخش است، چرا با آلودن مشی حزب  
به بندهای سیاسی، بدنبال پیروزی آسان و  
وگدرا برویم؟

دست بود؟ آری درست بود لذا  
علی رغم مساعی دشمنانش به نتیجه  
رسید. لومومبا در مبارزه برای  
رهائی کنگو از شر استعمار و  
نواستعمار شکست خورد. ولی آیا  
سیاست لومومبا در این زمینه  
درست بود یا سیاست رقیبان سغله  
او امثال چومبه و موبوتو؟ روشن  
است که حق با لومومباست. امام  
خمینی در مبارزه ۱۵ خرداد  
۱۳۴۲ موفقیتی نداشت، شکست  
خورد و به تبعید اجباری رفت.  
ولی آیا امام خمینی در مبارزه  
خود پاشاه و کاپیتولاسیون ذیق  
بود؟ آری، ذیق بود.  
حزب توده ایران، بنسوبه  
خود، در پیکار نابرابر خویش با  
امپریالیسم و رژیم دست نشانده اش  
باشکست و ناکامی قرین گردید.  
حتی اگر همه نسخه های «نصیحت  
گران دلوز» حزب نیز بکار  
بسته میشد، (یعنی نسخه های کسانی  
که عقلمندان پس از حادثه مجرزه  
میکنند) بازهم در اثر تناسب  
نیرومند قوا، سود امپریالیسم و  
ارتجاع، حزب ما شانس موفقیت  
نداشت. ولی آیا بدین دلیل حزب  
میبایست از نبرد عادلانه خود  
دست بکشد، زیرا کار درست گویا  
کاری است که حتماً و فوراً باید  
پیش برود؛ ابدأ و اصلاً  
قانون تاریخ است که نیرو  
های نو و انقلابی، غالباً در دورهای  
اول مبارزات موفق نمیشوند.  
بقیه در صفحه ۳

يك اشتباه بنیادی در نزد  
حتی اشخاص با حسن نیت وجود  
دارد و آن اینست که، «باید روشی  
انتخاب کرد که منجر به موفقیت  
شود». موفقیت و پیروزی، در نزد  
سیاسی، محور اساسی در جریان  
نقشه بندی عمل است و تنها «ارزش»  
معتبری است که معتقدند باید  
بدنبال آن رفت. در نظر چنین کسانی  
اگر شما شکست خوردید، حتی  
اگر کاملاً ذیق بودید و اصولی  
و علمی عمل کرده اید، فایده هر  
گونه فضیلتی هستید. ولی اگر  
شما فاتح شدید، حتی اگر آن فتح  
را با شیوه های ناعادلانه ای  
بدست آورده اید، در خورد هر گونه  
مدعیتی هستید. به همین جهت  
اروپائیها می گویند، «پیروزمندان  
را محاکمه نمی کنند». یعنی فقط  
شکست خوردگان هستند که باید  
محاکمه پس دهند. به همین جهت  
جان کندی می گفت، «شکست پنجم  
است، ولی پیروزی هزار پدر  
دارد»  
ما این طرز قناتوت بورژوا  
ما با نده پیروزی بهر قیمت! را  
رد می کنیم. ما بر آنیم که يك  
سیاست درست و اصولی، خلقی و  
میهن پرستانه اصل است، نه فتح  
یا شکست.  
دکتر مصدق در جریان  
مبارزه دلیرانه خود با کاترل  
جهاخور نفت شکست خورد.  
ولی آیا سیاست دکتر مصدق در  
ارتباط با ملی کردن صنعت نفت

## در دادگاه تهرانی، دژخیم سازمان امنیت: اسرار همکاری مائوئیست ها باساواک فاش شد

سیروس نهایندی، رهبر سازمان انقلابی، به خدمت ساواک درآمد  
و حالا هم با ایجاد سازمان مائوئیستی شفق سرخ، علیه انقلاب  
ایران فعالیت میکند.

جلاد معروف ساواک، بهمن نادری پور،  
معروف به تهرانی، در ادامه محاکمه خود  
در دادگاه انقلاب، از جنایات های  
مائوئیست ها پرده برداشت و فاش کرد که،  
چگونه اشلب رهبران مائوئیست ها تسلیم  
ساواک شده اند و در دستگیری مبارزان با  
دستگاه جهنمی شاه مخلوع همکاری  
داشته اند.  
تهرانی که سالیان دراز مجری ددمنشانه  
ترین جنایات رژیم آریامهری بوده، بنا به  
تسربیت جلادانه، بی آنکه از مبارزات و  
قهرمانیهای فرزندان دلاور خلق ایران، حکمت جوها،  
تیزابها، گل سرخها، کتیرائیها، مفتاحیها  
و احمدزادهها حرفی بزند، کوشید تسلیم طلبی  
مائوئیستها را بحساب «کمونیست های ایران»  
بگذارد و سعی کرد مائوئیست های «سازمان

انقلابی» را توده ای معرفی کند. دژخیم ساواک،  
که خون صدها شهید، از جمله رفیق قهرمان  
توده ای پرویز حکمت جو، هنوز بر دستهایش  
نخشیده، در قسمتی از سخنان خود گفت،  
«تعدادی از اعضای سازمان انقلابی حزب توده  
نیز به تهران آمده بودند و بتوان کادر حزبی  
فعالیت میکردند...»  
«این سخنان» بویژه وقتی چند دقیقه قبل  
از آن، درباره نفوذ ساواک در تشکیلات تهران  
حزب توده ایران اعترافات جلادشیده شده بود،  
در اذهان مردمی که با تاریخ سازمانهای سیاسی  
ایران آشنائی ندارند، این توهم را بوجود  
میاورد که، «سازمان انقلابی» متعلق به حزب  
توده ایران است.  
ولی همه مبارزان و آشنایان به تاریخ  
اخیر ایران میدانند که، سازمان به اصطلاح  
انقلابی، یک سازمان  
مائوئیستی است و هیچ  
ربطی به حزب توده ایران  
ندارد، غیر از اینکه  
بقیه در صفحه ۴

## درباره سالت ۲ برای آنانکه نمیخواهند و یا نمیتوانند اهمیت آن را درک کنند

عده ای از دست به قلم، در ایران درست مانند غرب  
بنابر ماهیت و موضع طبقاتی خود یا بعلمت چیز از درک  
واقعیتها و ضرورتها، در ارزیابی امور و وقایع جهان، عنان  
اندیشه بدست اغراض و دشمنیهایی سپارند و بگونه ای داوری  
می کنند که اگر اثری بر آن مترتب می شود، چه بسا که حاصل  
تلاشهای مداوم رجال مسؤول جهان را در زمینه استقرار  
صلح و امنیت بیاد می داند.

امر تفاهم، صلح و همزیستی  
بین ملتها آفتد برای جهانهای  
اهمیت دارد که حتی فلان شخصیت  
جهان سرمایه داری را - البته  
بعلمت فشار افکار عمومی - به  
پذیرش موضعی انعطاف پذیر در  
برابر جهان سوسیالیستی ناگزیر  
میسازد. این معنی را لئونید ایلیچ  
برژنف در سخنان خود خطاب به  
کارتر چنین بیان کرد:  
«هر يك از ما اکنون می دانند  
که امحاء طرف دیگر از عرصه  
زمین ناممکن است». این معنی  
را هلموت اشمیت صدراعظم آلمان  
فدرال نیز درک می کند، لکن  
روزنامه «دی ولت» در همان آلمان  
هلموت اشمیت، درست مانند روزنامه  
مأمور یا غیر مسؤولی که در تهران  
چاپ می شود، رویداد بزرگی چون  
امضای پیمان سالت ۲ را بدسکالانه  
تلقی می کند یا «دروغ بزرگ»  
می نامدش!  
بقیه در صفحه ۵

## بر مزار ۵ شهید توده ای بابل هزاران توده ای برای مبارزه با امپریالیسم تجدید عهد کردند

● خواهر یکی از شهدا: «تنها با تشکیل جبهه متحد خلق است که می توانیم فرصت طلبان و نفاق  
افکنان را از صف خود بیرون کنیم.»



اسداله روشن، پسر رفیق شهید اسکندر روشن از روزی می گوید که دژخیمان شاه صفوف توده ای ها را به  
رگبار مسلسل بستند و نفر را شهید کردند.

## قرار داد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بدون درنگ لغو شود



### شعر نیاز، شعر ضرورت

(از حراره‌های باستانی تا سرودهای انقلابی کوچکها)  
چه خوش است وقتی که اندیشه در واژه مناسب خود می‌نشیند و باصطلاح گفتمانی میشود از آن خوشتر هنگامی است که آن واژه به‌دلیل، همه‌فهم و دلنشین می‌افتد و توده عظیمی را در چنبره سخن محتوایی خود می‌گیرد و سیمناک بدان ۵۵ است که گفتمانی عمل کردنی میگردد: واژه سوخت ضروری برای بگردش و جنبش و حرکت درآوردن خلق قرار میگیرد برآستی آیا راز این همه همبازی و سالنور و خفتان و دهان بستن‌ها و قلم شکستن‌ها در همین تحول و تغییر معنی به‌عمل نیست؟

کلام چگونه همه‌فهم و دلنشین می‌افتد؟ گرچه پاسخ کافی دادن بدین پرسشی ایجاب گوناگونی دارد که سخن را بدرازا میکشاند، اما نزدیکترین جواب اینست که هرچه گویند به «همه» نزدیکتر باشد، بیشک کلامش مفهومی‌تر است و این نزدیکی اگر باشناخت آمیخته باشد، کلام «همگان» است.

جدائی، بویژه جدائی طبقاتی، نه تنها تفاوت‌هایی در زیست‌هست و مناسبات کاری فرادستان و فرودستان بیار می‌آورد، که حتی مفهوم واحدی را بدوستی شته میکند و دیری نمیگذرد که ساکنان یک شهر و کشور و بالاخره جامعه زبان یکدیگر را درک نمیکنند. اما دلنشین سخن صدها تمیید و تغییر دارد که جز صداقت و سادگی دستورهای فصاحت و بلاغت و پیچ و تابهای عروض و قافیه پر است از آنگونه مقدمات برای کار گذاری‌های واژه‌ای در کنار واژه دیگر.

اما آنچه مقصود من در این مقال است داشتن نوعی وزن در کلام و احیانا قافیه‌ای یا هماهنگی‌هایی در پایان بندی‌های کلام است که بخواهی تاریخ، گهرائی شگفتی در مردم ما دارد. اینک که به نخستین اوراق بازمایه از سرگذشت خلقمان نگاه می‌افکنیم، در می‌یابیم که اتفاقی نبوده اگر اولین ترانه‌های فارسی درصحت مانده از سده‌های نخستین پس از اسلام (که آنرا «حراره» می‌نامیدند) نیز کلماتی ساده و مؤزون و اغلب کم‌قافیه‌اند، که بیشتر با باری ازختم و ملامت به‌سرا میران و حاکمان وقت فرو ریخته‌اند و اینهمه یادآور شعرهای مؤزونی است که در این ایام اخیر در گوچه و بازار شنیده‌ایم و برادر و دیوار دیده‌ایم. مثلاً ترانه زیر پاسخ شاعر شکسته شده است که عمل امیر وقت باو نیز و گیاهی اسپهال‌آور خوراندند و در شهر میگرداندند و شاعر در همین حال مادرشاهرا (بنام سمیه) که به بدنامی شهره بود، با ذکر احوال خود می‌شمارد:

«بست و نینه‌ست  
و عصارت زیب است  
و ذنبه فریه بی است  
«وسمی» روسینه است»

یا این شعر تلخ و هنر آور را، که گویدگان بلخ بر عیدانه قسری، که از خراسان بجهت ختلان رفته و شکست خورده و بازآمده، میخوانند:

«از ختلان آندیه  
برو تپاه آندیه  
آباره باز آندیه  
خشک و ززار آندیه»

آیا برآستی چه نیولدی در کار است که پس از هزاران سال، باز مانیز از بزرگ و کوچک با سلاح همین کلمات می‌افزایم که برآنگیزانند و سرانجام کار ساز؟ این معنا راه یک اتفاق فرهنگی خلق ما میبرد که آن گفتمانی و بسیار گفتمانی است: مردم ما نیازمند شعرند و گرچه درگذشته کوشش می‌شد که آنرا تنها تکیه‌گاه معنوی و روحی ما ویا همچون غازی برای پناهنده شدن در روزهای شکست و ازوای ما بدانند، اما هرروز پیش‌تر نمایان میشود که شعر یک احتیاج مادی خلق ما بشمار می‌آید، که گرچه نمیتوان خواست آنرا در کنار حوائج ضروری، مانند نان و آب و هوا و مسکن و بهداشت قرارداد، اما نبود آنرا در زیر و زبانی رفته‌های اجتماعی مایه سر-شکستگی بود آنرا چون سلاحی جاندار و دشمن‌شکن می‌بینیم. دوران شاهنشاهی، که کوشش‌های فراوان بعمل آمد تا شجره‌نامه آنرا بدو هزار و پانصد سال برسانند و حال آنکه بسولت گسستگی‌های این زنجیر پیوسته را در همین تاریخ‌های دست ساخته نیز میتوانستیم دید، هیچگاه نمیتواند با سلطنت شعر، که از زردشت تا نیما و آنگاه از نیما تا شاعران گمنام گوی و برزن، که اولین اخگرهای انقلاب را روشن کردند، بر قامت برخیزد.

ما تعقیق و بررسی در این چشمه‌های لایزال و جوشنده را چه از نظر شکل و چه از نظر محتوا، بهمه شاعران و گویندگان و همچنین با انتقام فرصت بیجا به شناسان مبارز ایران پیشنهاد میکنیم، تا با غوطه خوردن در این زلالیا و گردآوری و جمع‌بندی این ترانه‌های از نیاز برآمده خلق‌الساعه ناگزیر و بی‌زبور، اما ضروری، آن دستاوردهای پخته‌ای را که باید درخور حفظ و نگاهداری و غنای فرهنگ و تیره باشد، فراهم آورند و دیگوار چون مانده‌های در برابر توده بگذارند.

برادر ارشدی  
چرا برادر کشی؟!  
نه خان فراری  
نه خان بختیاری  
نه سازش سیاسی  
نه قانون اساسی  
این کارتر دیواله  
از خاور میانه  
اخراج باید گردد...  
در بهار آزادی  
جای شهیدا خالی

### از کمک شما سپاسگزاریم

اخترا-الف	۲۰۵۰	ریال	ع.ف	۵۰۰۰
ع.ش.ش	۱۰۰۰	۱-۱		۵۰۰۰
ر.امیر	۳۰۰۰	۱۱۰		۱۰۰۰
ع.ع	۴۰۰۰	۹۴		۲۰۰۰
گروه صنعتی برنا	۱۶۵۰۰	الف.ی	۲۵۳۵	۵۰۰۰
گروه ۲۶۲	۴۰۰۰۰		۱۳۴	۵۰۰۰

### مسلمانان و ساختمان جامعه نو در اتحاد شوروی

بدنبال انتشار مقاله «اسلام و مسلمانان در اتحاد شوروی»، که در شماره ۹، مورخ ۱۳ اردیبهشت روزنامه «مردم» انتشار یافت، عده‌ای از خوانندگان عزیز ما، طی نامه‌های خود به هیئت تحریریه «مردم»، تقاضا کرده‌اند که برای روشن شدن بیشتر دقتکار عمومی و آگاهی به موقع مذهب اسلام و وضع مسلمانان در اتحاد شوروی به انتشار مقالاتی در این زمینه ادامه داده شود. ضمن سپاسگزاری از حسن استقبال خوانندگان «مردم» در انجام تقاضای آنان، به انتشار مقاله دیگری در این زمینه میپردازیم.

جمهوریهای آسیائی اتحاد شوروی، یعنی جمهوریهای آسیای میانه و کازاخستان و جمهوری آذربایجان، که اکثریت قریب به اتفاق سکنه آنها مسلمان هستند، تا قبل از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر، از بخشهای عقب مانده روسیه تزاری بشمار می‌آمدند، که مورد همه گونه استعمار و ستم ملی، در همه زمینه‌های زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قرار می‌گرفتند تبعیضهای مذهبی هم به این ستم و نابرابری حقوق افزوده میشد.

این تبعیضات مذهبی در کار و زندگی مردم مسلمان این دیار بازتاب می‌یافت. بعنوان نمونه، در مؤسسات صنعتی و کارخانه‌ها به کارگران مسلمان، در مقابل تخصص و کارایی با کارگر روس، دستمزد کمتری در حدود ۲۰ تا ۵۰ درصد تعلق می‌گرفت.

در آن دوران مذهب رسمی روسیه تزاری، مذهب پراوسلاو اعلام شده بود و نسبت به پیروان دیگر مذاهب و از جمله مسلمانان، تزیینات و محدودیتهای مذهبی اعمال میشد. بدیهی است که این امر موجب تشدید نا رضائی و جریحه دار شدن احساسات مذهبی مسلمانان میگردد.

این عوامل موجب آن شد که کارگران و قشرهای متوسط مسلمان در این مناطق، برای برانداختن سلطه استبدادی و ضد خلقی تراز روسیه، با کارگران و زحمتکشان روسیه و سایر خلفهای غیر مسلمان روسیه، در صفوف مبارزات انقلابی واحدی متحد شوند و در انقلاب سوسیالیستی اکثر شرکت نمایند. کارگران مسلمان و کارگران روس آگاه شده بودند که علیرغم تفاوت‌های مذهبی، اختلاف و تضادهای طبقاتی آنان با سرمایه داران و ستمگران رژیم تزاری، چه روس و چه مسلمان و غیره، یکبست و هدف مبارزات آنها برای رسیدن بیک زندگی سعادتمند و فارغ از هر گونه نابرابری و ستم هدف واحدی است.

پیروزی انقلاب کبیر اکثر و برابری و آزادیهاییکه در نتیجه این انقلاب در تمام شئون زندگی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همچنین معتقدات مذهبی برای همه زحمتکشان از هر ملیت و پیرو هر طریقت و مذهبی بوجود آمد، درستی این اندیشه را تأیید نمود. هنوز قبل از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر، از بهار سال ۱۹۱۷، در کلیه نقاط ترکستان روسیه، شوراهای زحمتکشان مسلمان و اتفاقاً کارگران مسلمان

تشکیل گردید و میان این شوراهای اتفاقا و شوراهای اتحادیه‌های کارگری روسیه روابط نزدیک برقرار شد. این نزدیکی همکاری موجب گردید که در نقاط مختلف کشور، شوراهای زحمتکشان مرکب از نمایندگان همه ملیتها و پیروان همه ادیان تشکیل گردد و در واقع اختلافات ملی و مذهبی میان همه زحمتکشان بوسیله خود آنها از میان برداشته شود.

بموجب فرمان ۲ نوامبر ۱۹۱۷، دولت نو بنیاد شوروی برابری حقوق و آزادی کلیه خلقها و پیروان مذاهب مختلف ساکن اتحاد شوروی را اعلام کرد در این فرمان تمام محدودیتهای تبعیضهای ملی و مذهبی لغو شد و همه پیروان ادیان مختلف در سراسر خاک اتحاد شوروی آزادی و حقوق برابر داده شد. در ۲۳ ژانویه سال ۱۹۱۸، از جانب شورای کمیسرهای ملی فرمان دیگری صادر گردید که در آن، علاوه بر آزادی وجدان و عقاید مذهبی، حق پیروی آزادانه از هر مذهبی، از آن جمله مذهب اسلام، برای مسلمانان ساکن اتحاد شوروی تضمین گردید. در این فرمان تأکید شده است که دولت سوسیالیستی عقاید و نظریات مذهبی هر شهروند را، امر شخصی وی میدانند و هر شهروندی در پیروی از عقاید مذهبی و انجام فرایض دینی خود کاملاً آزاد است. انتشار این فرامین نقشه‌های دشمنان دولت نو بنیاد سوسیالیستی را، که میخواستند با استفاده از احساسات مذهبی بویژه میان مسلمانان، نسبت بدولت سوسیالیستی بدینوی خصوصاً ایجاد کنند، نقش بر آب کرد.

از دین اسلام، در تمام قانونهای اساسی اتحاد شوروی، که در سالهای ۱۹۱۸، ۱۹۲۴، ۱۹۳۶ و همچنین آخرین قانون اساسی، که در تاریخ اکتبر ۱۹۷۷، در هفتمین اجلاس شورای عالی اتحاد شوروی بتصویب رسیده به اعتبار قانونی درآمده است. در ماده ۵۲ قانون اساسی جدید اتحاد شوروی، ضمن تصریح آزادی مذهب برانگیختن دشمنی و نفرت، بسبب معتقدات مذهبی، بموجب قانون منع شده است.

مسلمانان ساکن اتحاد شوروی، برخلاف تبلیغات دشمنان نظام سوسیالیستی و ضد انقلابیون، مشاهده کردند که نظام سوسیالیستی جدید و دولت نو بنیاد شوروی نه تنها کوچکترین مخالفت و تضادی با معتقدات مذهبی و انجام فرایض دینی آنها ندارند، بلکه در این مورد همه گونه به آنها مساعدت و کمک میکنند. آنها مشاهده کردند که همه زحمتکشان، صرف نظر از تعلق ملی و مذهبی، از دستاوردهای انقلاب سوسیالیستی بطور یکسان برخوردارند. بهمین علت همه زحمتکشان، از روس و اوکرائینی و تاجیک گرفته تا ازبک و تاتار و ارمنی و آذربایجانی، فعلاً نه در ساختمان نظام سوسیالیستی و کمونیستی، با برخورداری از کلیه حقوق ملی و آزادی معتقدات مذهبی خود، شرکت دارند.

همچنانکه در دوران انقلاب و جنگهای داخلی، که پس از پیروزی انقلاب، از جانب ضد انقلابیون و با تحریک و حمایت دول اموریالیستی به کشور جوان شوروی تحمیل گردید، زحمتکشان مسلمان بادیگری زحمتکشان درجه‌های واحدی علیه دشمن مشترک یکپارچه کردند

### آقای شهردار میانه!

### حرف‌های شما بسود امپریالیسم وارتجاع است

در حالیکه ضد انقلاب هر روز بی پروا تر از روز پیش، اینجا و آنجا در شهر و روستا به تاخت و تاز مشغول است، و دست در شرایطی که دشمن برای تضعیف رهبری انقلاب بسیج شده است، کسانی دانسته و ندانسته، سخنانی بر زبان می‌آورند که با هر نیتی که باشد، حاصلی جز ایجاب بدبینی و یاس نسبت به رهبری انقلاب ندارد. این خطر وقتی بیشتر میشود که افراد «مشغول» ناسنجیده این سخنان را بیان کنند. سخنان شهردار میانه در سمینار شهرداران مناطق شمال غرب، که هفته گذشته برگزار شد، از این دست بود. حرف‌های شهردار میانه، که برخی روزنامه‌های بیطرف (۱) هم آنرا با تیر درشت ارائه دادند، چنین بود:

«اختناق و استبداد همچنان هست و تنها سرعوض شده، چون تمام مهرها بر حای خود باقی هستند، مادامی که عوامل فاسد در سرگرای خود هستند و افراد سالم جای آنها را نگرفته‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد.»

ما هم باشهردار میانه موافقم که، هنوز مهره‌های وابسته به رژیم پهلوی در سکرهای زیادی باقی مانده‌اند و معتقدیم که باید با پاکسازی انقلابی آنها را از این سکرها راند. اما مطلق کردن این مشکل، آنطور که شهردار میانه می‌گوید، برده کشیدن بر واقعیت است. و بدتر از آن اعلام اینکه: «استبداد همچنان هست و تنها سرعوض شده»، دروغ بزرگی است که هدفش بی اعتبار کردن انقلاب و رهبری انقلاب و در نتیجه تضعیف هر دو است.

بکمان ما، اینگونه سخنان، سوا از هر نیتی که در پشت آن باشد، بسود ارتجاع و امپریالیسم زخم خورده است و بس.

### سالروز شهادت دکتر علی شریعتی باشکوه برگزار گردید

روز ۲۹ خرداد، سالروز شهادت دکتر علی شریعتی در تهران و شهرستانها باشکوه برگزار شد. دکتر علی شریعتی از پیشگامان و بنیان گذاران ایدئولوژی سیاسی اجتماعی اسلامی و «پیش توحیدی» است، که در انقلاب ایران نقش اهرم معنوی نیرومندی را ایفا کرده است. دکتر علی شریعتی با دادن تعبیری انسان گرایانه و مردم گرایانه از قرآن و اسلام بر ضد قدرت سیمپله مند زمان بدل کرد و در این راه شهادت رسید. بدون تردید نام دانشمند شهید زنده یابد، دکتر علی شریعتی، در تاریخ تفکر انقلابی و جنبش مردم انقلابی ایران، به شکل نمایی باقی خواهد ماند. ما بویژه خود این نام را گرامی میداریم و محترم میشماریم.

امروز هم همه زحمتکشان شوروی، چه مسلمان و چه غیر مسلمان، در جبهه واحد کار و سازندگی به فعالیت خلاق می‌پردازند و در برابر تبلیغات و تحریکات دشمنان نظام سوسیالیستی، صفوف متحد خود را پیوسته تر و نیرومندتر می‌سازند. پیروان همه ادیان، و از جمله مسلمانان، از حقوق کامل شرکت در کلیه عرصه‌های زندگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی برخوردار هستند. در هیچیک از اسناد رسمی دولتی قید نمیشود که صاحب این سند پیرو چه مذهبی است. پیروی از مذهب در انتخاب کار، رشته تحصیلی و دیگر فعالیتها کوچکترین تأثیری ندارد و در این مورد هیچگونه تبعیض و تفاوتی موجود نیست.

مسلمانان در اتحاد شوروی، برای انجام فرایض مذهبی خود از همه امکانات استفاده میکنند. هزینه اداره مساجد از محل خمس و ذکاتی که مسلمانان به کانونهای اسلامی خود میپردازند، تأمین میشود. علاوه بر این، از جانب شورای شهر در هر محل، جهت تعمیر و نوسازی واحداث مساجد و اماکن لازم جهت مسلمانان، اعتباراتی اختصاص داده میشود.

مسلمانان مراسم عقد و نکاح و طلاق و تدفین را طبق اصول و آئین اسلامی و در مراجع مذهبی انجام میدهند. هر سال گروه کثیری از مسلمانان اتحاد شوروی بزیارت

# نامه سرگشاده کمیته مرکزی درباره پیش نویس قانون اساسی

## به ریاست محترم هیأت دولت موقت جمهوری اسلامی ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران بنا بر وظیفه ملی و مهمی خود و با توجه با اهمیت خطیری که در شرایط کنونی تصویب سریع قانون اساسی در تحکیم پیشرفت امر انقلاب داراست، پیش نویس مستین پیشنهادی قانون اساسی را که درجارید انتشار یافته، بلافاصله مورد مطالعه و بررسی قرارداد. و اینک خرسند است که میتواند نتایج بررسیهای خود و پیشنهادهایی را که بنظر کمیته مرکزی حزب ما میتواند کمک موثری به تکمیل طرح مورد پیشنهاد در جهت هدفهای انقلاب ایران بنماید، تقدیم دارد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران خرسند است مقدما باستحضار عالی برساند که پیش نویس طرح قانون اساسی آنچنانکه در مطبوعات انتشار یافته، در خطوط کلی خود خواستههای مشروع و حقیقه مردم ایران را منعکس میسازد و از این جهت مورد تأیید کمیته مرکزی حزب ما قرار گرفته است. پیشنهادهایی که در برگهای پیوست تقدیم میشود، صرفاً مربوط به مسائل عمدهای است که بنظر ما تصریح آنها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از لحاظ تثبیت دستاوردهای انقلاب و پیشرفت کشور در دوران سازندگی جامعه نوین، نقشی موثری ایفا خواهند نمود. به همین سبب از بسیاری پیشنهادهای درست

دیگری، که بعقیده کمیته مرکزی حزب ما جنبه فرعی دارند، صرف نظر شده است. در خانها، کمیته مرکزی حزب توده ایران وظیفه خود میداند که آمادگی خویش را برای شرکت و اداء توضیحات، از جمله در باره پیشنهادهای اصلاحی دیگر که جنبه فرعی دارند، در هر جلسه ای که مسائل مربوط به قانون اساسی را مورد بررسی قرار میدهد، اعلام دارد. با امیدواری باینکه پیشنهادهای سازنده حزب ما مورد توجه کامل قرار خواهد گرفت، خواهشمندیم مراتب احترامات عمیق ما را بپذیرید. کمیته مرکزی حزب توده ایران دبیر اول: نورالدین کیاوری

## تحصن کارکنان مستشاری نظامی وابسته به سفارت امریکا

تعداد ۱۲۰۰ نفر کارکنان مستشاری نظامی وابسته به سفارت امریکا، که در بهمن ماه گذشته، یعنی در جریان انقلاب بعلمت تعطیل ادارات وابسته به سفارت امریکا از کار برکنار شده اند، دست به تحصن زده اند. آنها طی نامه ای برای سفارت امریکا، که رونوشت آنرا به دفتر امام خمینی، نخست وزیر، وزارت دفاع ملی و وزارت کار و امور اجتماعی ارسال داشته اند، برخی از خواستههای خود را بشرح زیرین بیان کرده اند:

- پرداخت حقوق معوقه بمدت ۴ ماه
- بازنشستگی و بازخرید طبق تقاضای کارکنان و براساس آخرین حقوق و مزایا باشد.
- حداقل ۵ سال به سابقه کار برای بازخرید و بازنشستگی اضافه شود.
- مرخصی استعلاجی کارکنان جزو سوابق خدمت محسوب شود.
- وزارت کار و امور اجتماعی در تأیید خواستههای کارکنان مستشاری نظامی، نامه ای بوزارت امور خارجه ارسال و توجه مقامات مستشاری را به نکات زیرین جلب نموده است.
- هرگاه قرارداد استخدامی بین آن مستشاری و کارمندان کمتر از قانون و یا مغایر با مواد قانون کار در ایران باشد، اعتبار و ارزش قانونی ندارد.
- یاداثر سابقه کار برای هر سال خدمت در موقع فسخ قرارداد، معادل ۱۵ روز آخرین حقوق دریافتی کارمند بازا هرسال کار میباشد.
- مزایای خسارت اخراج بر حسب سوابق خدمت و براساس رسیدگیهای مراجع صلاحیتدار وزارت کار و امور اجتماعی تعیین و مقرر میگردد.

## اصلاحات مورد پیشنهاد حزب توده ایران درباره پیش نویس قانون اساسی

۳- پیشنهاد میشود که درباره حق حاکمیت ملی و قوای ناشی از آن به نظریات زیرین توجه شود:

حاکمیت خلق از طریق مجلس شورای ملی و شوراهای محلی منتخب مردم اعمال میشود. مجلس شورای ملی مرکب از نمایندگان منتخب تمام اهالی کشور، قدرت مرکزی را اعمال میکند و شوراهای استان، شهرستان، شهرستان، که از طرف اهالی هر یک از بخشهای مذکور انتخاب میشوند، طبق اختیارات مشخصی که به تصویب مجلس شورای ملی میرسد، نسبت بامور داخلی قلمرو خود و در حد مسئولیتها و وظائف خود حاکمیت خلق را اعمال میکنند. تقسیمات کشوری باید برپایه خصوصیات ملی انجام گیرد. در واحدهای ملی، شوراهای حقوق اداری و فرهنگی ملی را اعمال میکنند، که حدود آنرا قانون تعیین میکند. زبان مورد تکلم در هر واحد ملی، در جنب زبان فارسی، برای آموزش، مکاتبات و اسناد رسمی ادارات محلی، مذاکرات شوراهای و محاکمات رسمیت دارد.

۴- حزب توده ایران پیشنهاد میکند که در مورد حقوق زنان نکات زیرین تصریح شود:

قانون اساسی حقوق کامل سیاسی، اقتصادی، اداری، مدنی، اجتماعی و فرهنگی زن را تضمین میکند. تأمین برابری حقوق زن و مرد شرط اساسی تحول بنیادی جامعه و ترقی آنست.

۵- پیشنهاد میشود که ذیل اصل ۴۸ پیش نویس قانون اساسی درباره انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی، حکم زیرین وارد گردد:

کرسسبهای نمایندگی مجلس در سطح کشور و شوراهای به نسبت آرائی که بهر یک از سازمانها و احزاب شرکت کننده در انتخابات داده شده است، توزیع میشود.

۶- پیشنهاد میشود که اصلاحات لازم در طرح قانون اساسی در ارتباط با مسائلی که ذیلا ذکر شده است، انجام گیرد:

هر یک از افراد کشور حق کار کردن دارند و این حق باید بوسیله دولت تأمین گردد. تشکیل اتحادیههای صنفی و حرفه ای چه در سطوح کارگاهی و حرفه ای و چه در مقیاس سراسری کشور، حق مسلم کلیه کارگران و زحمتکشان شهر و ده است. چگونگی شرکت واقعی اتحادیهها در کلیه اموری که مربوط به فعالیت تولیدی و شرایط کار و زندگی زحمتکشان است، بوسیله قانون ویژه ای تأمین میشود. همه افراد کشور حق آموختن دارند. آموزش مجانی است، و در حدودی که قانون معین میکند، اجباری است. جمهوری اسلامی ایران حق آموزش برابر را برای همگان تأمین میکند و امکان دسترسی همرا به آموزش و پرورش، آموزش حرفه ای و فرهنگ سازمان میدهد.

داشتن يك مسکن مناسب برای زندگی حق طبیعی افراد کشور است. دولت وظیفه دارد که برای تحقق این امر تدابیر مقتضی اتخاذ نماید، و براساس اولویت زحمتکشان روستایی و شهری، تدریجاً طبق نقشه سنجیده ای، برخوردار میسازد همه افراد را از این حق فراهم سازد.

۷- در قسمت مربوط به شکنجه نکات زیرین تصریح گردد:

هرگونه شکنجه و تیبیه بدنی و روانی نسبت باشخاصی، چه بدستور مقامات دولتی وقتسایبی باشد چه خود سرانه از جانب مأموران دولتی اعمال گردد، شدیداً مستحق تعقیب و مجازات است. اعتراف یا شهادتی که با شکنجه، تیبیه، آگراه و اجبار گرفته شده باشد، فاقد ارزشی و خالی از هرگونه اعتبار است. مجازات تخلف از این اصل را قانون معین میکند.

۹- حزب توده ایران ضرور میداند که در قانون اساسی فصلی به نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، مشعر بر خطوط عمده این نظام تخصیص داده شود. بعقیده حزب توده ایران، خطوط عمده نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را میتوان بقرار زیرین تصریح نمود:

نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران برپایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی و برنامه ریزی منظم دولتی قرار دارد. سه بخش مزبور طبق نقشه های اقتصادی مصوب مجلس شورای ملی، بصورت بهم پیوسته ای در جهت تأمین استقلال اقتصادی کشور، تحکیم و ترقی قدرت اقتصادی و مالی مملکت و بهبود و ارتقاء مستمر سطح زندگی مردم بویژه زحمتکشان، با یکدیگر همکاری میکنند. بخش دولتی عمده عامل اقتصاد کشور و وسیله اساسی یوایی آنست و در پیشرفت و انجام هدفهای انقلاب نقش درجه اول ایفا میکند. بخش دولتی کلبه رشته های صنایع کلیدی و مادر، بانکداری، بیمه و بازرگانی خارجی، منابع زیرزمینی و دریایی کشور، وسائل تولید نیرو، سدها، شبکه های عمومی تأمین آب و آبیاری، راه آهن، راه های هواپیمائی و کشتیرانی و وسائل ارتباطی، موسسات بزرگ کشاورزی و دامپروری، جنگل ها، مراتع عمومی و زمینهای خالصه ای را که هنوز میان دهقانان تقسیم نشده است، بصورت مالکیت عموم خلق در دست دولت متمرکز میکند.

وسائل تولید، موسسات و اموالی که شرکتهای تعاونی تولید و مصرف دهقانی و دیگر سازمانهای تعاونی شهری و روستائی برای انجام وظایف اساسنامه ای خود در اختیار دارند یا خواهند داشت، ملك جمعی تعاونیهای مزبور بشمار میروند و مجموعاً بخش تعاونی اقتصاد را تشکیل میدهند. استفاده مجانی از زمینهای که دولت در اختیار تعاونیها قرار میدهد، مورد تضمین است.

دولت موظف است سهم بخش دولتی و تعاونی را در مجموع اقتصاد کشور بطور مستمر گسترش دهد. بخش خصوصی آن رشته هایی از صنعت، کشاورزی و بازرگانی و بطور کلی آن قسمت از فعالیتهای اقتصاد کشور را، که طبق قوانین در عداد فعالیت بخش دولتی و تعاونی اقتصاد قرار نگرفته است، در بر میگردد. مالکیت در بخش خصوصی اقتصاد، تا آنجا که موجب تحکیم و تقویت استقلال و موجب رشد و پیشرفت اقتصادی کشور و برآوردن نیازمندیهای مصرفی و خدماتی مردم است و طبق قوانین و نقشه های اقتصادی دولت جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار میگیرد، از حمایت قانونی برخوردار است.

یکار بستن اصول برنامه ریزی، سازماندهی و اداره علمی رشته های مختلف اقتصاد در عداد وظایف اساسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران است. نقشه اقتصادی دولتی باید تکامل همبپوند و هماهنگ کلیه مناطق کشور و همه بخشهای فعالیت اقتصادی را تأمین نماید. در تنظیم نقشه اقتصادی، همه مردم ایران از طریق شوراهای منتخب خود در مقیاس ده، بخش، شهر، شهرستان و استان و هم چنین بوسیله اتحادیه های کارگری و دهقانی و دیگر سازمانهای صنفی و اجتماعی خلق شرکت خواهند نمود.

۹- حزب توده ایران پیشنهاد میکند که اصول اساسی سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران بشرح زیرین در قانون اساسی خلاصه شود:

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برپایه عدم تعهد، عدم شرکت در بلوک بندیهای نظامی، براساسی حفظ صلح و امنیت بین المللی، عدم تجاوز بخواك کشورهای دیگر، حسن همجواری با همسایگان، همزیستی مسالمت آمیز و تحکیم و تقویت همکاریهای بین المللی و گسترش مناسبات دوستانه میان دولتها، بر مبنای برابری کامل و منافع متقابل و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، قرار میگیرد. همبستگی و پشتیبانی از حقوق ملتها و خلقهایی که علیه استعمار، نو استعمار، امپریالیسم، صهیونیسم، فاشیسم و تبعیض نژادی برخاسته اند، در زمره اصول مسلم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بشمار میروند.

## اخبار کارگری

### در جمع رانندگان و کامیونداران

از ساعت ۸ صبح روز شنبه ۱۹ خرداد، حدود ۲۰۰ نفر از رانندگان مینی بوس و کامیونداران، در حیاط استا نادارای کرمانشاه جهت رسیدگی به وضع بیکاری خود و یا گرفتن وام بیکاری تجمع کرده بودند. راننده جوانی میگفت: «به همت این انقلاب، با نکهات مملکتی شده اند و این به نفع ملت است. هر چقدر که از یوغ استعمارگران خارجی راحت شویم، بسر ای ماهم کارزودتر ایجاد خواهد شد. اگر صنایع وابسته به خارج هم ملی بشوند، دیگر نوعی نور است و بیکاری ریشه کن خواهد شد.»

راننده دیگری میگفت که گویا کامیونداران بیکار تهرانی هم باتشکیل سندیکا فوراً به خواست های قانونی خود رسیده اند و آنها را ترغیب به ایجاد سندیکا می کرد. راننده مجرب و مسمی، که رنج کار در صورتش هویدا بود، میگفت: «بما می گویند از ریتنهای ما یاد بگیرید. برك درخت خوردند و پشت آمریکا و فرانسه را به خاک مالیدند. حالا هم چین را سرچایش می نشانند. ما هم قبول داریم که مردم ویتنام نمونه مقاومتند. دولت هم اگر راست می گوید برای ما کار ایجاد کند، نه اینکه بی سرمایه دارها وام بدهد. آنوقت ما هم با چنگ و دندان با آمریکا مبارزه خواهیم کرد، نه اینکه بی بهما بر حسب ضد انقلاب بزند و بخودش دولت بی عمل!»

### بقیه از صفحه ۱ چگونه روشی...

انصراف از منافع خلق، از موازین علمی تفکر و عمل، از سرشت انقلابی سازمان؛ روشن است که جواب چنین سوالی منفی است، زیرا سیاست ضد خلقی و ضد اصولی و ضد علمی، اگر هم به کمک بخت یادر اثر بند بازیهای ماهرانه، به پیروزی برسد، پیروزیش مانند پیروزی رژیم استبدادی گذشته درازمدت نیست.

بهترین رهبری ها می کوشند تا با حفظ مواضع درست، عملشان پیروزی بخش باشد. آری می کوشند، ولی همیشه موفق نیستند. گاه عوامل عینی و ذهنی حساب نشده، کوشش ها را عبت میکند.

لذا محور يك سیاست، حقانیت، خلقی و انقلابی بودن آن سیاست است. و اما اینکه این سیاست، بنحو پیروزی بخشی نیز تنظیم گردد، البته مطلوب است، و باصطلاح معروف، «چه از این بهتر» این کار بجهت چیست؟ آیا به قیمت

البته این سخن بدان معنی نیست که پس در تنظیم مشی حزب باید فقط به حقانیت مشی بسنده کرد و از مدبرانه و پیروزی آفرین بودن آن چشم پوشید. علاوه بر انتخاب هدف های درست مبارزه، باید تمام مساعی لازم را بکاربرد که اولاً نیروها را از سهل ترین راه بسوی هدف برد و ثانیاً این نیروها را حتماً به هدف رساند. ولی این کار بجهت چیست؟ آیا به قیمت

بقیه از صفحه ۱  
یومزار...

# هزاران توده‌ای

## برای مبارزه با امپریالیسم تجدید عهد کردند



خرداد فرصت‌پرور برای تجدید  
خاطره بارققای شهیدی است که  
در نبرد علیه امپریالیسم، بضر  
رگبار مسلسل شاه از پای در آمدند  
مادر اینجا جمع شده‌ایم تا ضمن  
گرامیداشت خاطره آنان، نفرت  
عمیق خود را علیه امپریالیسم  
آمریکا، این دشمن اصلی خلق  
های ایران، ابراز داریم و ضرورت  
تشکیل جبهه متحد خلق، جبهه  
ضدامپریالیستی را متذکر شویم و  
به‌شما هشدار دهیم که تنها با تشکیل  
جبهه متحد خلق است که می‌توانیم  
فرصت طلبان و نفاق افکنان را از  
صف خود بیرون کنیم.

رفیق نوبخت هم درس‌نخنان  
خود در این مراسم گفت: «رفقای  
شهید ما در مکتب حزب توده  
ایران درس مبارزه و پیکار برای  
آزادی و استقلال آموختند و در  
پیشانی صفوف مبارزین ضد  
استعمار پیکار کردند و بالاخره  
مانند بسیاری از هم‌زمان توده‌ای  
خود، در راه رهایی وطن از چنگال  
استعمار و آزادی طبقات ستمکش  
از اسارت سرمایه و قیدوبند  
استبداد جان باختند و امروز ما  
برگور این شهیدان، یاد آنان را  
گرامی می‌داریم و سوگند یاد می‌کنیم  
که بدون وقفه راه شهیدان را  
را تا پیروزی کامل ادامه دهیم.»

در این مراسم شو درزم  
مشترک، توسط محمد سعیدی  
وشو توده‌ای قهرمان، توسط پریندل  
قزاق و پیام‌های زیرین خوانده  
شد، پیام سازمان جوانان و دانش  
آموزان دمکرات بندر انزلی،  
پیام اعضا و هواداران حزب توده  
ایران در لنکرود، پیام اعضا و  
هواداران حزب توده ایران در  
چالوس و نوشهر، پیام هواداران  
حزب توده ایران در  
بابل، پیام جوانان دمکرات  
و هواداران حزب توده ایران در  
سیاهکل، پیام کانون دانش‌آموزان  
دمکرات ساری.

پیام‌های زیر هم بعلمت کمی  
وقت قرائت نشد،  
- پیام دانشجویان دمکرات  
دانشسرای راهنمای تحصیلی در  
بابل، پیام هواداران حزب توده  
ایران در شیرگاه، پیام دانش  
آموزان دمکرات آمل، پیام سازمان  
جوانان و دانش‌آموزان دمکرات  
در لنکرود، پیام جوانان و دانش  
آموزان دمکرات در رودس، پیام  
اعضا و هواداران حزب توده ایران  
در بندر انزلی، پیام دانشجویان  
دمکرات در بابل، پیام هواداران  
حزب توده ایران در بهش، پیام  
هواداران حزب توده ایران در  
آمل، پیام جوانان و دانش‌آموزان  
دمکرات قائمشهر.



مردم، اعضا و هواداران حزب توده ایران، مزار شهید را در گورستان سید زکریای بابل گل‌باران کردند.

گورستان متروک بابل در  
خروش خلق زنده شد و آن پنج  
شقایق خونین توده‌ای، که در میدان  
رزم بر خاک فروخته بودند، آن  
دهقان و کارگر و راننده، آن  
دانش‌آموز و سلمانی که دست در  
دست، مرگ را پذیرفته بودند تا  
راه توده‌ها هموار شود، دیدند که  
گورستان پر از شقایق‌های سوزان  
شد و در شعارهای آتشین مردم،  
شهادت برخواستند تا با نسل نوین  
حزب خود پیمان ببندند.

۲۹ خرداد سال ۳۲، خلق  
قهرمان بابل، در میتینگی که به  
ابتکار حزب توده ایران برپا شده  
بود، شرکت کردند تا خشم و نفرت  
خود را نشان امپریالیسم و نوکر  
سرپرده‌اش شاه کنند. رفقای حزبی  
ما، پیشاپیش دیگران، با مشت‌های  
گره کرده و قلب‌های مشتعل به میدان  
کارزار میرفتند. وقتی گزاهای شاه  
تافن آتش گشودند، آنکه اول بر خاک  
فروخت، رفیق راننده ما اسکندر  
روشن بود. وقتی رفیق روشن  
به خاک افتاد، جمشاد کیوانی،  
که خود در میتینگ آنروز شرکت  
داشته و زخمی شده است، دنباله  
ماجرای راجعین بازگو می‌کند،

«مردم قهرمان بابل و مبارزان  
حزب پیکر خون‌آلود این جوان  
زمنده را به بیمارستان منتقل  
کردند. دقایقی بعد این مجاهد  
جوان در راه مبارزه خلق ما  
شهید گردید. در این هنگام، مردم  
و افراد حزب با آگاهی از شهادت  
رفیق اسکندر، مصمم گردیدند که  
جنازه رفیق شهید را تا گورستان  
تشیع نمایند...»

هنگامی که رفیق توده‌ای  
اسکندر روشن بر شانه‌های خلقی  
به گورستان برده میشد که شمارشان  
در مرگ بر پهلوی بود، در خمیان  
شاه‌بار دیگر آتش گشودند و چهار  
رفیق حزبی دیگر، احمد کیوانلو  
دانش‌آموز، احمد صدای حق  
کارگر، علی بابا نیا حبیبی دهقان و  
حسین مقدوری کارگر به  
صف شهیدای حزب توده ایران  
پیوستند. در خمیان اجساد را  
شبانه دفن کردند، اما خشم خلق  
را هرگز نتوانستند مدفون کنند.  
خلق چه کرد،  
احمد کیوانی در دنباله

حرفهایش به این سؤال چنین  
پاسخ میدهد:

«در همان روز بود که رفقای  
حزبی در کنار پدران و مادران این  
شهید سوگند خوردند که قصاص  
خون این شهیدان و همه شهدای  
راه خلق و آزادی را از شاه و  
اربابان فرمایا بگیرند.»

و خلق که به سوگند خود وفا  
کرد، در اولین بهار آزادی، عصر  
شنبه ۲۹ خرداد، در گورستان  
سید زکریای بابل جمع شد تا شهید  
ببندد امپریالیسم را نیز نابود  
کند و راه شهیدای توده‌ای را ادامه  
دهد.

دور تا دور گورستان پر بود  
از شعارهای، «زنده باد حزب  
توده ایران، حزب طراز نوین  
طبقه کارگر»، «برقرار باد اتحاد  
همه نیروهای ضد امپریالیستی و  
دمکراتیک در جبهه متحد خلق»،  
ساعت ۵ بعد از ظهر در حالیکه  
جمعیت شمار می‌داد،

توده‌ای، توده‌ای راهت  
ادامه دارد. مراسم آغاز شد، رفیق  
عدنانی بهاس بزرگدانش خاطره پنج  
تن شهید، یک دقیقه سکوت اعلام کرد

و آنگاه ابوتراب باقرزاده عضو  
کمیته مرکزی حزب توده ایران  
سخن گفت رفیق باقرزاده در  
قسمتی از سخنان خود گفت:  
«نباید فراموش کرد که در  
لحظه کنونی امپریالیسم با تمام  
امکانات دوزخی خود در کمین انقلاب  
ماست و حاضر نیست به این آسانی  
از منافع چپالوگرانه و نامشروع  
خود در ایران دست بردارد،  
امپریالیسم و ارتجاع ایران، که  
هنوز سنگرهای محکمی در اختیار  
دارند، هر لحظه با نقاب تازه‌ای  
ظاهر می‌شوند. رفیق باقرزاده  
در جای دیگری گفت: «باید با  
تمام نیرو بکوشیم که این انقلاب  
این کلمبایی بزرگ تاریخی  
را، که بدون تردید دارای  
برد عظیم جهانی است، بازگشت  
ناپذیر سازیم.» رفیق باقرزاده  
نتیجه گرفت: «برای نیل به این  
هدف، مبارزه همه جانبه با  
امپریالیسم در درجه اول اهمیت  
قرار دارد و راه مبارزه همه‌جانبه،  
اتحاد همه جانبه تمام نیروهای  
راستین و انقلابی است.»  
جمعیت حرف‌های رفیق

باقرزاده را با شمار،  
توده‌ای، توده‌ای، راحت  
ادامه دارد... بدرقه کرد و بدو نوبت به  
سخنرانی رفیق محمد قاضی  
رسید. او در آغاز سخنان خود  
گفت:

«خون شهیدان توده‌ای ما به  
هدر نرفت، بلکه در طول این  
بیست و شش سال با خون مبارزان  
فدائی و مجاهدان ضد استعمار و  
و مومنین بمذلت بشری  
بهم پیوست... رفیق قاضی در  
پایان سخنانش چنین گفت «من  
بستوان یک همشهری سالخورده و  
پیر که سالها رنج زندان و تبعید و  
شکستگی را تحمل کرده‌ام، از تمام  
کارگران، کشاورزان،  
پیشه‌وران و روشنفکران آزادخواه  
دعوت میکنم که به حزب توده ایران،  
این پیشتاز راه آزادی ملت، که  
مجهز به ایدئولوژی تابناک  
مارکسیسم-لنینیسم است و بوحث  
زحمتکشانش سرتاسر جهان اعتقاد  
دارد و در طول مبارزه نزدیک به  
چهل سال از هفتاد خوان طلسم  
امپریالیسم و استبداد و ارتجاع

### خانواده شهدای توده‌ای سخن می‌گویند

سخنران بهمدی اسدالله  
روشن پدر شهید قهرمان اسکندر  
روشن بود. او چگونه شهادت  
پسرش را تشریح کرد و جنایت  
دیگری از امپریالیسم و شاه را  
افشاء نمود. بعد از او نوبت به  
منصوره کیوانلو، خواهر شهید  
قهرمان توده‌ای احمد کیوانلو  
رسید. او در بخشی از سخنان خود  
گفت:  
«۲۹ خرداد روز تجدید  
خاطره با عزیزانی است که بر سر  
آرامنهای حزب خود، برای  
ایرانی آباد و آزاد و مستقل از  
نقدچان گذشتند.» او در پایان  
سخنانش چنین اعلام کرد: «۲۹»

کمی دقت در محتوای این اعتراف، از معامله  
وسیع تر مائوئیست‌ها با ساواک خبر میدهد. پررور نیست  
که آن افراد آزاد شده، اکنون در لباس «انقلابی»  
سرگرم خرابکاری در میان مردم باشند. این ظن  
وقتی قوی‌تر میشود که بر اساس اخبار موق،  
سیروس نهاوندی در رأس سازمانی بنام «شفق  
سرخ» مشغول فعالیت مسلحانه علیه انقلاب ایران  
است. البته این بار هم باسم «انقلابی»  
بر اساس اخبار رسیده افراد این گروه  
مشغول مسلح کردن جوانهای ۱۵-۱۶ ساله هستند  
و با لیباز نیز ارتباط دارند.  
این اخبار از یکسو نقش خطرناک  
سیروس نهاوندی و از سوی دیگر، ماهیت  
مشکوک سازمان «شفق سرخ» را افشا میکند.  
جا دارد که همه نیروهای انقلابی و همه  
مقامات مسئول با هشاری و پیگیری رد پای  
سیروس نهاوندی، این عامل شناخته و  
خطرناک ساواک را جستجو کنند و فعالیت‌های  
ضد انقلابی او را خنثی نمایند.

خیانت‌های سیروس نهاوندی آنچنان  
دامنه‌دار بود که مبارزان اسیر در زندان، نام  
سازمان او را به طنز «سازمان اسارت بخش خلق‌های  
ایران نام دادند»  
درست در این شرایط حزب توده ایران،  
همراه با سازمان مجاهدین خلق ایران، از توطئه  
ساواک و نقش خائنه سیروس نهاوندی پرده  
برداشتند. ولی گردانندگان سازمان انقلابی، نه  
تنها این افشاکاری را رد کردند، بلکه تا دوسال  
بعد درباره «فرار قهرمانانه» سیروس نهاوندی  
تبلیغ و از او بعنوان یک «قهرمان» یاد می‌کردند.  
درست در همان روزهایی که نهاوندی در ارتباط  
با کمیته کشتار شاه جانی، مبارزان را بدام می-  
انداخت، آقایان مائوئیست، بعنوان «قهرمان»  
از او تجلیل می‌کردند و تازه بعد از دوسال،  
مائوئیست‌های سازمان انقلابی، خیانت نهاوندی  
را - آنهم بطور تلویحی - پذیرفتند.  
جلاد ساواک در ادامه حرف‌هایش می‌گوید،  
«خیالی افراد، که بطور مظلون در خیابانها  
دستگیر میشدند بعداً با این سازمان انقلابی خورده  
میشد آنان شدند.»

سیروس نهاوندی کرد این بود که، هیچکدام  
از اعضا سازمانشان، با توجه به آن فمالیتی که  
کرده بودند، اعدام نشدند.  
درواقع معامله مائوئیست‌ها با ساواک چنان  
دامنه‌دار بود که، در حالیکه دهها مبارز به اتهام  
ارتباط ساده با سازمانهای سیاسی مخفی به‌جوخه  
اعدام سپرده شدند، مائوئیست‌های «سازمان  
رهائی بخش»، با اینکه بانگ مصادره کرده بودند،  
قصد ترور سفیر آمریکا را داشتند و... نه تنها  
اعدام نشدند، بلکه بی‌سروصدا از زندان آزاد  
گردیدند.  
تهرانی سپس فاش میکند که، چگونه سیروس  
نهاوندی از زندان پیام تسلیم داد. چگونه بسا  
رسولی، سرجلاد کشتارگاه شاه‌خائن تماس برقرار  
کرد و چگونه با نقشه از زندان گریخت و از آن  
بیمد دهها مبارز را تسلیم ساواک کرد.  
بر اساس آنچه رئیس دادگاه از جلاد ساواک  
می‌پرسد، تنها در یک مورد، ۱۲ فرد صدیق، که به  
«مائوئیست انقلابی»، یعنی سیروس نهاوندی  
پیوسته بودند، در خانه‌های شهید شدند.

بقیه از صفحه ۱  
در دادگاه تهرانی ...  
سالیان دراز پیش از این عده‌ای از اعضا آن  
از حزب جدا و طرد شده‌اند.  
رهبران این سازمان، که خود را «انقلابی»  
های دو آتش جا می‌زدند، مانند همه مائوئیست‌ها  
وظیفه‌ای بنیر از خرابکاری در نهضت جهانی کارگری  
نداشتند و ندارند. لاشائی‌ها، نسکخواه‌ها  
پارسانزاده‌ها ... وقتی به ایران آمدند و وقت  
آن رسید که شعارهای «داغ» خود را عملی  
کنند، نه تنها تسلیم شدند، بلکه بخدمت سازمان  
جهنمی ساواک در آمدند. و آنها که نتوانسته  
بودند بعنوان «انقلابی» به خیانت خود در نهضت  
ادامه دهند، در لباس «توروسین» های شاه مخلوع  
به خیانت ادامه دادند.  
تهرانی، بعد از اینکه تسلیم یازدا نژاد و  
۵ تن دیگر از رهبران مائوئیست سازمان انقلابی  
را فاش میکند، پرده از معامله سیروس نهاوندی،  
یکی دیگر از سران سازمان انقلابی با ساواک  
بر می‌دارد و می‌گوید: «نتیجه معامله‌ای که



### سوموزابه سوی انزوا و اسقوطی که در انتظار همه دیکتاتورهاست رانده می شود

چریکهای ساندنیست، به نبرد خونین خود با نیروهای سوموزا ادامه می دهند و در عین حال سر باز خانه گارد به اصطلاح ملی اورا در شهر بزرگ لئون آتش زدند. هدف ساندنیستها اکنون تصرف شهر ریواس در جنوب است و قصد آنها از این اقدام، این است که این شهر را به پایگاه دولت موقت خود بدل سازند.

از یک طرف دولت اکواتور، بعنوان سومین کشور امریکای مرکزی پس از مکزیک و کوستاریکا، با دولت سوموزا قطع رابطه کرد. وزارت خارجه کوبا ضمن صدور اعلامیه ای «حکومت موقت بازسازی ملی نیکاراگوئه» را به رسمیت شناخت و به امریکا در مورد مداخله در امور داخلی نیکاراگوئه شدیداً اخطار کرد. وزارت امور خارجه کوبا موکداً اعلام داشت که چنین مداخله ای از طرف آن کشور، ویتنامی جدید در قلب امریکای لاتین بوجود خواهد آورد.

در سان خوزه کوستاریکا اعلام شد که در نیکاراگوئه یک دولت بازسازی ملی تشکیل شده است. این دولت اعلام کرد که بعضی واژگونی رژیم سوموزا آماده انجام وظیفه خواهد بود. بگفته اعضای دولت بازسازی ملی نیکاراگوئه، ازهم اکنون برای شناسائی این دولت از طرف دولتهای دموکراتیک امریکای لاتین اقداماتی بعمل می آید. دولت بازسازی ملی نیکاراگوئه نماینده ای برای شرکت در اجلاس آینده سازمان کشورهای امریکائی، به واشنگتن اعزام داشت، بگزارش خبر گزارها، سوموزا نیز مانند سردمداران رژیم فاسد و ننگین پهلوی، اکنون که بر لب پر تگاه سقوط قرار گرفته از دست از باب جفاکار خود شکوه و ناله کرده است. وی امریکا را به ناسپاسی متهم کرد و عاجزانه از این کشور تقاضا کرد که به وی در مبارزه با قیام مردم و چریکهای ساندنیست نیکاراگوئه هر چه بیشتر کمک کند. سوموزا که خون مردم نیکاراگوئه را مکیده و ثروت سه میلیارد فرانکی از این راه به جیب زده است، گفت: «من درسی سال گذشته در ضمن مبارزه با کمونیسم به امریکا کمک کرده ام. اینک امریکا باید پیش از این به من کمک کند».

خبر گزاران فرانسوا گزانش داد که رئیس دولت پاناما اعلام کرد که دولت وی روابط دیپلماتی خود را با آنستاسیو سوموزا قطع کرده است و هم اکنون امکان شناسائی دولت بازسازی ملی نیکاراگوئه را بررسی می کند. از طرف دیگر خبر گزاران تاس با استناد بر نوشته روزنامه پروادا اعلام کردند که رژیم سوموزا و پشتیبانان وی می کوشند تا کمشک نیکاراگوئه را به یک درگیری بین المللی مبدل سازند. پروادا همچنین نوشت که «دو هزار و پانصد نفر مزدور بیگانه، از امریکا، کره جنوبی، شیلی و همچنین از سایر کشورها در کنار سربازان سوموزا با چریکهای ساندنیست و مردم نیکاراگوئه می جنگند».

### بقیه از صفحه ۱ درباره سالت ۲

کشدته از رهبران جهان سوسیالیسم، شخصیتهای جوامع غیر متعهد و همچنین رجال واقع بین جهان سرمایه داری، درست بعلمت درک همین ضرورت استقرار صلح، تفاهم و همزیستی بین ملتهاست که انعقاد پیمان سالت ۲ را «گامی بزرگ در راه صلح جهانی»، «پیروزی بزرگ برای تلاشهای پیگیر اتحاد شوروی در جهت کاهش خطرات ناشی از زرادخانه تسلیحاتی عظیم» و «جامع ترین و پیچیده ترین پیمانی که تاکنون در زمینه کنترل سلاحها تنظیم شده» توصیف کردند. موراچی دسای نخست وزیر هند، در هنگام دیدار از بلگراد اعلام کرد که: «انعقاد پیمان سالت ۲ گامی به جلو بوده»؛ سخنگوی دولت سوسیالیستی مجارستان گفت: «امضای این پیمان حاصل تلاش های خستگی ناپذیر رهبری شوروی خصوصاً لئونید برژنف است»؛ روزنامه روده پروادا ارگان حزب کمونیست چکسلواکی نوشت: «اجلاس رؤسای جمهوری شوروی و امریکا پیروزی بزرگی برای تلاشهای پیگیر اتحاد شوروی در راه کاهش خطرات ناشی از زرادخانه های تسلیحاتی عظیم بشمار میرود»؛ روزنامه پروادا، ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی نوشت: «پیمان دوم تحدید سلاحهای استراتژیک (سالت ۲) بزرگترین

### آثار امضای پیمان سالت ۲

دیدار رؤسای جمهوری اتحاد شوروی و امریکا برای امضای پیمان سالت ۲، دو کشور را به انعقاد پیمانی در مورد منع قانونی سلاحهای رادیو لوژیک که اشعه مرک زا را در شعاع عملی بسیار وسیع منتشر می سازند - نزدیکتر ساخت. در اعلامیه ای که در پی گفت وگوهای لئونید ایلچ برژنف و جیمی کارتر در وین انتشار یافت، تصریح شده است که درباره مواد مهم مربوط به پیمانی جدید که اختراع و کاربرد سلاحهای رادیو لوژیک را ممنوع خواهد ساخت، توافق حاصل شده است.

از طرف دیگر هیئت دائم امریکا در سازمان ملل متحد (در ژنو) روز چهارشنبه در نشریه روزانه خود تصریح کرد که اتحاد شوروی و امریکا در ژنو گفت وگوهای خود را درباره منع سلاحهای رادیو لوژیک آغاز کردند.

چنین می نماید که طرفین مذاکره امیدوارند که گفت وگوهای آنها سریعاً منتج به نتیجه ای شود.

امضای پیمان سالت ۲، مخالفان معلوم الحالی چون باری گلدواتر و هنری چکسن در سنای امریکا دارد، لکن سناتور ادوارد کندی امضای این پیمان را «گامی بسوی صلح جهانی و عامل بازدارنده جنگ هسته ای» توصیف کرد.

### ضیاء الحق پاکستان را به گردونه «کامان ولث» باز می بندد

ژنرال ضیاء الحق رئیس جمهوری پاکستان، در مصاحبه ای برای بی بی سی اعلام کرد که آماده است مجدداً پاکستان را به چرخه کشورهای مشترک المنافع امپراتوری انگلیس ملحق سازد. بدین ترتیب رئیس جمهوری اسلامی پاکستان برای نخستین بار قصد خود را در تقض تصمیمی که ذوالفقار علی بو تو، نخست وزیر پیشین این کشور در سال ۱۹۷۲ در مورد خروج از جامعه کشورهای مشترک المنافع اتخاذ کرد، اعلام داشت.

### کارگران شرکت راهسازی «پیا» به استناداری شکایت برده اند

حدود ۱۵۰ نفر از کارگران شرکت «پیا» که در دوران رژیم سابق از کار اخراج شده بودند، از تاریخ ۵۷/۹/۲۳ به اداره کار و امور اجتماعی مراجعه نمودند و خواستار بازگشت بکار و رعایت قانون کاردر مورد پرداخت حق بلاتکلیفی خود شدند. اداره کار و امور اجتماعی جواب مستقیمی به کارگران نداد. اما پیگیری کارگران سرانجام کارفرما را مجبور کرد که در مورد پرداخت حق بلاتکلیفی و بازگرداندن آنها به کار و عده هائی بدهد، که هنوز انجام نشده، کار فرما در غیاب کارگران با نمایندگان آنان مذاکره کرد و با آنها قبولانده که با دریافت سالی ۲۵ روز حقوق از شرکت اخراج شوند. ولی کارگران نپذیرفتند و به فرمانداری و اداره کار و امور اجتماعی رفتند، ولی نتیجه ای نگرفتند. اکنون کارگران به استناداری مازندران شکایت برده اند. این شرکت راهسازی از جمله دهها شرکت خصوصی است که در جاده فیروزکوه مشغول جاده سازی است و کارگران را آواره خیا بانها کرده است

### کارگران به بازگشت کارکنان ژاپنی به کارخانه اعتراض دارند

رئیس هیئت مدیره کارخانه بریجستون، که متعلق به ژاپنی هاست، در سفر اخیرش به تهران، عده ای از کارهای ژاپنی را که در زمان انقلاب محل کار خود را ترک کرده بودند به محل کار بازگرداند و این مسئله با اعتراض کارگران روبرو شده است. مدیریت کارخانه هم اکنون در دست مدیران سابق است و کارخانه هنوز فاقد سندیکای کارگری است.

### کارگران شرکت ساختمانی فریمان بعلمت عدم توجه کارفرما به خواستهایشان اعتصاب کرده اند

بیش از ۴۰ نفر از کارگران شرکت ساختمانی فریمان، از روز ۲۲ خرداد در دفتر شرکت متحصن شده اند. کارگران خواستار پرداخت حقوق عقب افتاده، پرداخت بیمه و مالیات و خواهان ادامه کار شرکت هستند، که از طرف کارفرما تعطیل شده است. در شرکت ساختمانی فریمان بیش از ۳۰ کارگر فنی و ۳۰۰ کارگر ساده کار میکردند، که در جریان اعتصاب سراسری، کارگران ساده توسط کارفرما اخراج شدند، کارفرما از پرداخت حقوق بقیه سرباز زد و حق بیمه و مالیات کارگران را، که حدود ۵ میلیون تومان است، نپرداخته و در نتیجه دفاترچه های بیمه کارگران عملاً بی ارزش مانده و کارگران از دریافت وام بیکاری هم محروم شده اند.

کارگران چندین بار با کارفرما و نماینده او تماس گرفتند، اما کارفرما از پرداخت حقوق کارگران سرباز زد و با وجود رای دادگاه وزارت کار، مبنی بر پرداخت حقوق کارگران، از اجرای حکم امتناع نموده است. هندوستان، ضمن انتشار اعلامیه این حزب، امضای پیمان سالت ۲ را «گامی مهم در راه تحدید مسابقه تسلیحاتی و تقلیل تهدید جنگ هسته ای» توصیف کرد. فقط اشخاص و محافل در جهان به وارونه نمایی و نفی واقعیات مثبت و مفید عینی می کوشند که مانند سوداگران اسلحه، در وجود تشنج و مناقشات دوام و گسترش آن در جهان متناقضی سرآوردند، یا در موضع و مقام یک مخالف خوان، منفی بافی و چه بسا از موضع ضد کمونیستی زیر جهان و آنچه در اوست می زنند و لاجرم آب در آسیاب گروه نخست می ریزند.

### کار فرمایان شرکت زمینیه، عامل نارضایی و فشار بر کارگران این شرکت هستند

شرکت زمینیه یک شرکت بزرگ ساختمانی است که به لاجوردی سرمایه دار معروف تعلق دارد. این سرمایه دار که صاحب بیش از ۸۵ شرکت تولیدی و کارخانه های متنوع است، اکنون فراری است و در شهرهای اروپا و امریکا پسر میبرد. اداره امور شرکت های ساختمانی او را در حال حاضر، پسر او و چند سهامدار عمده دیگر این شرکت به عهده دارند.

یکی از کارگاه های ساختمانی این شرکت، شهرک دانشگاهی است که در بین راه تهران کرج واقع است طبق قراردادی که ۹ سال پیش میان شرکت زمینیه و دانشگاه تهران بسته شده، قرار بوده است که شرکت زمینیه، بیش از ۱۴۴۰ آبارتمان را در چهار مرحله، بمدت ۲ سال، بسازد و به دانشگاه تحویل دهد. این شرکت، طبق قرارداد ۸۰ میلیون تومان پول دریافت کرده و بایستی ۷۰۰ کارگر را بمنظور تسریع در ساختن آپارتمانها بکارگیرد. اما امروز پس از ۹ سال، تنها دو مرحله را با صرف حدود ۶۰ میلیون تومان ظاهراً به اتمام رسانده، درحالی که هنوز این ساختمانها قابل استفاده نیست و بقول یکی از کارگران تنها آجر روی آجر کار گذاشته است. این کارگاه برخلاف آنچه در قرارداد قید شده، کمتر از ۲۰۰ نفر کارگر را بکار گرفته، تا در هزینه ها بفرج شرکت زمینیه صرفه جویی شود. در رابطه با این شرکت ساختمانی، شرکت بتون سازی آکام بتون نیز فعالیت دارد و بتون مورد نیاز را تهیه میکند. این کارگاه و بطور کلی این شرکت ساختمانی، خود کفا است و برای تهیه بتون نیاز به ورود هیچ ماده اولیه یا ماشین آلات از خارج از کشور ندارد. در شرکت آکام بتون نیز در حدود ۲۰۰ کارگر کار میکنند. شرکت زمینیه در کارگاه شهرک دانشگاهی از امکانات فنی و ماشین آلات کافی برخوردار است و از نظر ادامه کار هیچ مانعی در بین نیست. از لودر و جرثقیل و بتونیر و شن و ماسه و سیمان گرفته تا کارگر و نقشه بردار و کفراژ بند و آرما تور بند و مهندس و نیز نفت و بنزین و گازوئیل و سایر مواد مورد لزوم برای ادامه کار، موجود است.

چند روز پیش یکی از سهامداران شرکت زمینیه، دونه ایندو واقعی کارگران را به دفتر خود میخواند و اظهار میدارد: «بعلمت امتناع دانشگاه از دادن پول به ما و موجود نبودن مواد اولیه برای ادامه کار، قادر به ادامه کار شرکت نیستیم. من به مسئول کارگزینی سفارش کرده ام که حقوق کارگران را آنها ۱۵۰ خرداد احتساب کند.» نماینده کارگران نسبت به این تصمیم و این بهانه ها برای اخراج کارگران بسختی اعتراض میکند و تعطیل کارگران و اخراج کارگران را غیر قانونی میدانند. نماینده کارگران شکایت خود را از کارفرما در وزارت کار مطرح میکنند. در تحقیقاتی که توسط وزارت کار و نماینده کارگران صورت میگردد، بدرستی معلوم میشود که بهانه کارفرما مبنی بر نبودن مواد اولیه و در مضیقه بودن از نظر ورود مواد اولیه مورد لزوم از خارج غیر منطقی است. در تماس دیگری که نماینده کارگران و نماینده وزارت کار با دانشگاه تهران میکنند، اصل قرارداد و موادی که دلالت بر پرداخت پول بقدر کافی به شرکت زمینیه است، ملاحظه میشود. بر اساس همین تحقیقات معلوم شده که تصمیم کارفرما مبنی بر تعطیل این کارگاه غیر منطقی است و آشکارا منجر به فشار بر کارگران زحمتکش و مشتاق به کار این کارگاه میشود. ناگفته نماند که در صورت تعطیل شدن این کارگاه، شرکت آکام بتون نیز، که قطعات پیش ساخته و بتون تولید میکند، تعطیل خواهد شد و ۲۰۰ کارگر در این کارگاه بتون سازی نیز بیکار خواهند شد.

کارگران شرکت زمینیه تا امروز که به اخراج تهدید شده اند، در معرض انواع اجحافات کار فرمایان این شرکت بوده اند. مثلاً در حالیکه هزینه زندگی به این میزان وحشتناک بالا رفته، کارگرانی هستند که، بر مبنای ۴۰ تومان حقوق روزانه، از ۲۰ سال پیش تاکنون به حقوق آنها اضافه نشده. عده ای از کارگران این شرکت پس از چندین سال هنوز مشمول استفاده از بیمه خدمات درمانی نشده اند. کارگران این شرکت از نظر ایمنی کار نیز در خطر هستند و از نظر کلاه، دستکش، لباس کار و سایر وسایل ایمنی در مضیقه اند. علاوه بر اجحافات حقوقی و نقص در ایمنی و شرایط بد کار، کارگران از سرویس رفت و آمد، غذای گرم روزانه، بهداشت محیط کار و تبعیضات نژاد خونی دارند. کارگران شرکت زمینیه خواستهای خود را به وزارت کار تسلیم کرده اند و خواستار رسیدگی به کارشان، بنحو عادلانه و برفع کارگران هستند. کارگران شرکت زمینیه از نخست وزیر، دولت و وزارت کار خواستار عمل انقلابی در جهت حل مسایل کارگران هستند و نسبت به ضوابط کهنه اداری و عدم رسیدگی به مشکلات کارگران اعتراض جدی دارند. کارگران این شرکت اظهار میدارند که ملتی که قادر باشد شاه را بیرون کند، قادر به اداره امور کارخانه ها و شرکت های سرمایه داران فراری نیز هست. آنها از وزارت کار میخواهند که امور کارگاه را به نفع کارگران حل کند نه به نفع سهامدارانی مثل لاجوردی، که سعی در تطمیع و خریداری کارگران شریف و مبارز دارند. خواستهای کارگران شرکت زمینیه به قرار زیرین است:

- ۱- جلوگیری از تعطیل کارگاه بهر بهانه
- ۲- اضافه حقوق به نسبت گرانی و بالا رفتن هزینه های مورد نیاز زندگی.
- ۳- بهبود در شرایط بیمه.
- ۴- رسیدگی به وضع ایمنی در کارگاه و تأمین لباس کار، کلاه و غیره.
- ۵- رسیدگی به وضع نامطلوب ناهارخوری و بهداشت کارگاه
- ۶- پرداخت هر چه سریعتر حقوق عقب افتاده ۴۵ روزه
- ۷- پرداخت حق مسکن ۸ ماهه (بالغ بر ۲۰ هزار تومان)
- ۸- تهیه سرویس ایاب و ذهاب برای کارگران

# جهاد برای سازندگی

## قانونمندی تداوم و تثبیت دستاوردهای انقلاب است

توقف در راه پیشروی روند انقلاب، عملاً بمنزله بازگشت و در معرض خطر قرار گرفتن دستاوردهای انقلاب است. بنابر منطق و قانونمندی تحریک و پیوستگی انقلاب، مرحله فرو پاشی نظام سیاسی و اقتصادی، مرحله سازندگی را در پی دارد که این مرحله، ضمن تداوم روند انقلابی و تثبیت دستاوردهای آن، انقلاب را گزیند ناپذیر و نهادهای مادی و معنوی آنرا استحکام میبخشد و روند انقلابی را بازگشتناپذیر میسازد. بدین ترتیب سرنوشت آینده و حفظ دستاوردهای انقلاب در گرو مرحله سازندگی آنست و بهمین علت است که رهبری انقلاب، امام خمینی، با آگاهی کامل و درک مسئولیت عمیق در قبال اهمیتی که این مرحله از انقلاب در بردارد، در پیام خود خطاب به ملت ایران برای بسیج همه نیروها در این مرحله، بخاطر پیشبرد و به ثمر رساندن انقلاب، ملت را به «جهاد برای سازندگی» فرا میخواند. در عین حال تأکید امام خمینی در پیام خطاب به

ملت ایران و فراخوانی ملت به «جهاد برای سازندگی» تأکیدی است بر خصلت خلقی انقلاب و نیروهای محرک عمده آن، که توده زحمتکش، یعنی مستضعفین هستند. امروز بازمانده‌های رژیم سابق و همه نیروهای داخلی و خارجی که در نتیجه پیروزی انقلاب مواضع سیاسی و اقتصادی و پایه‌های خود را از دست داده‌اند و یا ضربات جدی بر مواضعشان وارد آمده است و دیگر نمیتواند با شعارهای «جاوید شاه» و «پشتیبانی از قانون اساسی» عرض اندام کنند، در کمین فرصت مناسب نشسته و با هدفهای خرابکارانه در امر پیشرفت انقلاب، هر روز زیر آن شعارها و نظریاتی صف آرایی میکنند

و اقتصادی و فرهنگی و ادماه نابسامانی موجب گسترش و افزایش نارضایتی و دلزدگی از اوضاع میگردد، که این خود مساعدترین زمینه را جهت ایجاد نفاق و تفرقه و بهره برداری ضدانقلاب فراهم میسازد. در ضمن در همین مرحله سازندگی است که باید شالوده اقتصاد مستقل و سالم و اصیل ملی و خلقی در تمام شئون فرهنگی کشور پایه گذاری گردد. و این عمل تنها با همکاری و همیاری و شرکت فعال همه توده‌های زحمتکش - کارگر و دهقان پیشه‌ور و دانشجو و روشنفکر انجام گیرد. روی سخن امام خمینی در پیام خود خطاب به ملت و فراخوانی به «جهاد برای سازندگی»، درست به همین زحمتکشان است. پس سازندگی باید در اساس در جهت حفظ و دفاع از منافع این طبقات و اقتدار و ایجاد تضمین‌های مادی و قانونی این منافع در جامعه باشد زیرا همچنانکه در مرحله نخست انقلاب، اتحاد و شرکت این طبقات و اقشار محرك اصلی و ضامن پیروزی انقلاب بود، در مرحله سازندگی نیز همین طبقات و اقشار هستند که با شرکت فعال و خلاق خود، وثیقه موفقیت آن هستند و سنگینی بار سازندگی را هم بدوش میکشند.

## عشق به توده

توده‌ای بزرگ!  
ای مداوم ای عظیم پرخروش  
توده‌ای صبور پر متانت  
ای صلابت ای سترگ!

ای تمام قدرت زمین  
ای تمام همت زمان  
قرنها بدست پرتوان تو  
واژگونه می‌شوند  
ای امید جاودان سخت‌کوش  
آه ... ای عظیم پاره‌پوش.

شعر من برای تو  
و تمام زندگانیم  
قطره‌ای حقیر  
پیش پای تو!

عاشقم به توده‌ها که عشق توده‌ها  
شورزنده بودن است  
عشق توده‌ها

معنی تمام لحظه‌های بودن است.  
شعلا رها ۱۶/۳/۵۸

# احداث نیروگاه اتمی يك خیانت دیگر پهلوی

بازگرداندن دلارهای نفتی به کشورهای امپریالیستی، یکی از سیاست‌های خائنه رژیم ضد ملی و استبدادی محمدرضا پهلوی بود. در اجرای این سیاست بود که این رژیم تصمیم گرفت تا سال ۱۹۷۴، سالی که منابع مکشوف نفتی با شیوه غارتگرانه کنسرسیوم میبایست تقریباً به پایان برسد، چندین نیروگاه اتمی به ظرفیت ۲۳۰۰۰ مگاوات در ایران احداث کند. برای این کار در سال ۱۹۷۵ قرار دادی با آلمان فدرال به منظور ایجاد دو نیروگاه ۱۲۰۰ مگاواتی در بوشهر، به مبلغ ۷/۸ میلیارد مارک منعقد شد. همچنین قرارداد دیگری با فرانسه به مبلغ ۹ میلیارد فرانک به امضاء رسید.

این برنامه رژیم از همان آغاز، با وجود تبلیغات وسیع در باره اهمیت و ضرورت و فوائد آن، با مخالفت شدید حزب توده ایران و برخی دیگر از محافل ملی و دموکراتیک مواجه شد. این مخالفت به دلایل زیر بود:

سدر شرایطی که ایران با ذخایر عظیم گاز خود، که به رقم بیش از ۹ هزار میلیارد متر مکعب بالغ میشود و از این لحاظ مقام دوم را در جهان دارد (پس از شوروی)، ایجاد نیروگاه‌های اتمی عملی کاملاً غیر منطقی است. برای تغذیه نیروگاه‌های اتمی، ایران ناگزیر است

که بجای مواد انرژی‌زای ارزان و فراوان داخلی، از اورانیوم گران قیمت وارداتی و سرنوشت خود را بدست دول امپریالیستی بسپارد!

ایران بعلمت نداشتن کارشناسی در این زمینه، از لحاظ کادر فنی نیز باید وابسته کشورهای امپریالیستی گردد!

خطرات ناشی از نشت مواد رادیوآکتیو، بخصوص در ایران زلزله-خیز، بمراتب جدی‌تر و محتمل‌تر از سایر کشورها است!

مسئله آلودگی آب مورد مصرف در نیروگاه‌های اتمی و با خطرات ناشی از پسماندهای اورانیوم جوانب منفی دیگری نیز گاه‌های اتمی را تشکیل میدهد. در مورد آلودگی آب کافی است گفته شود که دو نیروگاه بوشهر، ۶ میلیون متر مکعب آب دریا را آلوده خواهند کرد و لطمات جدی به تخم‌ماهی و میگو در خلیج فارس وارد خواهند ساخت.

خطرات ناشی از دفن پسماندهای اورانیوم چنان است که دولت اتریش، که درصدد ایجاد نیروگاه‌های اتمی بود، برای آرام کردن افکار عمومی، متعهد شد که پسماندهای آنرا از کشور خارج کند، و فقط عنصر تامل‌ناپذیر استخوان خنثی‌سازی نظیر محمدرضا پهلوی میتواند آمادگی خود را برای دفن پسماندهای نیروگاه‌های

اتمی اتریش در ایران اعلام کند؛ - هر چند هر واحد انرژی تولید شده از نیروگاه‌های اتمی، در شرایط ایران، به علت گرانی تأسیسات و ماشین‌آلات و اورانیوم وارداتی، بیش از انرژی تولید شده در سایر نیروگاه‌ها است.

بهمین علل است که پس از انقلاب، برنامه ضد مردمی رژیم پهلوی درباره اتمی کردن نیروگاه‌ها کنار گذاشته شد. ولی مسئله ادامه یا قطع ساختمان تأسیسات و نیروگاه‌های بوشهر، که ۸۰ درصد کارهای آن، انجام گرفته هنوز هم از طرف دولت موقت حل نشده است.

عده‌ای بر آنند که حالا که ساختمان این دو نیروگاه در شرف پایان است، برای اینکه هزینه‌های انجام شده به هدر نرود، بهتر است که کار ساختمان آنها ادامه یابد. عده‌ای دیگر، به عللی که در بالا اشاره کردیم، و نیز باین علت که این نیروگاه‌ها به قیمتی اقل از دو برابر قیمت‌های بین‌المللی برای ایران تمام خواهد شد، ادامه ساختمان آنها را به صلاح کشور نمیدانند.

این نیز یکی دیگر از خیزانته‌های رژیم پهلوی است که برای غارت بیشتر درآمد کشور، تمام خریدها و مقاطعه‌های دولتی را به قیمت‌هایی بمراتب بیش از قیمت‌های عادی بین‌المللی انجام میداد.

با اینکه برای ایجاد نیروگاه‌های بوشهر تاکنون ۷/۸ میلیارد مارک مصرف

شده، باز باید ۵ میلیارد مارک دیگر در این راه مصرف شود.

با در نظر گرفتن تمام این جنبه‌های منفی است که سرپرست سازمان انرژی اتمی ایران میگوید، «با توجه به مسائل ایمنی، اقتصادی، اجتماعی و فنی، تعطیل نیروگاه‌ها به مصلحت و خیر مملکت خواهد بود».

برای تصمیم نهایی درباره نیروگاه‌های بوشهر، کمیسیونی بنام «کمیسیون عالی انرژی» تشکیل شده است که باید سرنوشت این نیروگاه‌ها را تعیین کند. امید است این کمیسیون بدون تن دادن به برخی «مصالح» موهوم سیاسی و اقتصادی، بخصوص با در نظر گرفتن هزینه خرید ۲۰۶ تن اورانیوم، که گفته میشود سالانه ۴۰۰ میلیارد ریال خواهد بود، مسئله این دو نیروگاه را به نفع ایران حل کند.

در پایان این بحث باید تأکید کنیم که حزب توده ایران هرگز مخالف بکاربردن تکنیک و تکنولوژی معاصر، از جمله نیروگاه‌های اتمی بطور کلی نیست، آنچه مهم است، ایست که بسایندید در شرایط کنونی، کدام تکنیک و تکنولوژی منافع ایران را بهتر تأمین میکند. بدیهی است زمانیکه نیروگاه‌های اتمی، و رسا حتی هسته‌ای، مراحل آزمایش و تکامل خود را طی کردند و استفاده از آنها در شرایط ایران از همه لحاظ مقرون بصره بود، میتوان و باید از آن استفاده کرد.

## کتابخانه «مردم» در حال تشکیل است منتظر کمک شما هستیم

دفتر «مردم» در کار تشکیل يك کتابخانه است تا بتواند تسهیلات لازم را برای کار هیئت تحریریه فراهم آورد.

از اعضاء، هواداران و دوستان حزب خواهشمندیم به تحقق این امر لازم و مفید کمک کنند.

لطفاً کتابهای اهدائی را، از هر نوع و با هر چاپ، به دفتر «مردم» ارسال دارید. اگر تعداد کتب اهدائی زیاد است، نزنک بنزید، دفتر «مردم» ترتیب حمل آنرا خواهد داد. با سپاس «مردم»

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلاً هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود.

نشانی،  
خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸،  
تلفن:  
۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

# در آذربایجان هم باید آزادی برای همه نیروهای انقلابی تأمین گردد

حجت الاسلام محمدی، دبیر حزب جمهوری اسلامی مسلمان ایران - شعبه تبریز - طی مصاحبه مطبوعاتی روز پنجشنبه ۲۴ خرداد، نظریاتی ارائه داشت که جلب نظر میکند. وی پس از تذکر اینکه، «از نظر اسلام تمام گروه‌ها و ایدها آزاد هستند»، گفت: «در قرآن مجید آمده است که مؤمنان افرادی هستند که به سخنان طرف گوش فرا میدهند و از بهترین آن پیروی میکنند...» حجت الاسلام محمدی، که این نظر را در چارچوب برخی مسائل مربوط به آزادی مطبوعات و گروه‌های سیاسی مطرح ساخته بود، سپس افزود: «منظور از آزادی در اسلام چیست؟ اگر آزادی هست، که حتماً هست، همه باید حرف خود را بزنند، حرفی که به وسیله رسانه‌های گروهی پخش میشود. ما هم اگر حرفی داریم از همان رسانه‌ها باید پخش کنیم، با چماق تکفیر که بجنک قلم نمی‌روند».

آنچه ما از قول رهبر حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان ایران - شعبه تبریز - نقل کردیم، اصولی است که میباید در همه موارد و در همه جا مورد توجه قرار گیرد و بدون کوچکترین استثنائی بموقع اجراء گذارده شود. در غیر اینصورت چگونه میتوان از آزادی بیان و قلم و مطبوعات، از آزادی احزاب و گروه‌های سیاسی

در اشاعه نظریات خویش سخن بمیان آورد؟ جای آن دارد که برخی از افراد و یارگردهائی که در تبریز و دیگر شهرهای آذربایجان نه تنها با چماق تکفیر، بلکه با استفاده از شیوه‌های مردودی چون آتش زدن کتاب و نشریه‌ها، پاره کردن شمارها، ارباب صاحبان چاپخانه‌ها و غیره، به جنک قلم و اظهار نظر آزاد احزاب و گروه‌های سیاسی میروند، این تذکرات حجت الاسلام محمدی را آویزه گوش کنند و رهنمود عمل خویش قرار دهند. روی سخن ما با آنهاست که هنوز هم مانع فعالیت گسترده نیروهای ملی و مترقی در آذربایجان هستند و کشتش زیادی به حادثه آفرینی دارند.

کمیته مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان، در اعلامیه ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ خود، نظر مقامات مسئول محل را به پاره‌ای از اعمال ناشایست این قبیل افراد جلب کرده بود. در این اعلامیه گفته میشد: «فرقه دموکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان، در پیشگاه خلقهای میهن عزیزمان ایران، بویژه در شرایط کنونی، به وظیفه سنگین و پر مسئولیتی که بر عهده دارد، به خوبی واقف و برای آن ارزش بس والا قائل است. لذا نظر تمام

مقامات و سازمانهای مسئول را نیز به این مهم جلب می‌نماید و مصرانه خواستار پایان دادن به اینگونه اعمال ضد انقلابی و تفرقه افکنانه است».

متأسفانه باید خاطر نشان ساخت که مقامات مسئول تاکنون پاسخی مثبت به این خواست قانونی نداده‌اند و هنوز هم آن شرایطی که همه مطبوعات و همه احزاب و گروه‌های سیاسی بتوانند آزادانه به فعالیت خود ادامه دهند و حجت الاسلام محمدی به حق خواستار آنند در آذربایجان هم - مانند برخی دیگر از مناطق کشور - بوجود نیامده است.

طبیعی است که مبارزه علیه تسلط انحصاری بر زمینه‌های زندگی اجتماعی و سیاسی وقتی میتواند به نتیجه مطلوب برسد که در همه جا باشد و وحدت یکسان ادامه یابد.

کشور ما دوران پس‌دشواری را میگذراند. اگر از توطئه‌ها و کارشکنی‌ها جلوگیری بعمل نیاید و عوامل تهدید و ارباب‌زین برده نشوند، نمیتوان به وحدت کلمه، که خواست رهبر انقلاب است، نائل آمد و نیروهای انقلابی را در جهت چاره‌اندیشی برای مشکلات عظیم اقتصادی و اجتماعی، که بر سر راه تثبیت و گسترش و تعمیق دستاوردهای انقلاب پیروزمند ایران قرار دارد، بسیج کرد.

# برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق